

حرف درشت

گول حرف فعالان حقوق زنان را نخورید



پوریا عالمی

می‌گویند خانوم موگربنی زنگ زده به خانواده‌اش و گفته: هلو مای فامیلی... اینجا خیلی باحاله. تا حالا این‌طوری به من توجه نشده بود. یه‌لحظه فکر کردم جنیفر لویی‌زی، چیزی هستم. واقعا این سلبریتی‌ها و سوپرستارها چی می‌کشند؟ خیلی سخته. باورتان نمی‌شود؛ توی یک لحظه ۴۰ تا دوربین از ۴۰ زاویه روم بود. یکی از آنها فکر کنم قهرمان پرش ارتفاع بود، چون دیدم بکهو سه متر پریده بالا و می‌خواهد از زاویه ۱۰۶ درجه با من سلفی بگیرد که متأسفانه هنگام فرود، سقوط کرد روی میز نمایندگی... آره... خلاصه گول این رسانه‌های ایرانی رو نخورید... گول این فعال‌های حقوق زنان رو که میان اروپا هی سخنرانی می‌کنند و تهنش از ما بودجه می‌گیرند هم نخورید... همه حرف‌هاشون دروغه... اینجا واسه به بودجه حاضرند الکی بگیروند وضعیت زنان توی ایران خوب نیست و قدر نمی‌بینند... والا این چیزی که من دیدم توی ایران، اینجا به زن نهن‌تها خیلی احترام می‌گذارند که یک لحظه هم چشم از زن برنمی‌دارند... کاش من یک زن ایرانی بودم... خیلی حسودیم شد واقعا... فکر کن اینجا به زن‌های خودشان چه احترامی می‌گذارند؟ بعد هم من واقعا محیط مجلس ایران را دوست دارم... مجلس ایران برخلاف پارلمان‌های اروپایی که توش همه‌ش دعوا و بز‌بزن می‌شود، خیلی سرشار از انرژی و طراوت است. من به‌عنوان یک مقام مسئول در اتحادیه اروپا می‌خواهم به مسئولیت خودم همه نماینده‌های پارلمان‌های اروپا را بفرستم مجلس ایران «طرح کاد»...، یعنی بفرستم دوره آموزشی فشرده... راستی آیا عکس‌گرفتن و سلفی‌گرفتن اگر منجر به کشته‌شدن عکاس زیر دست‌وپای دیگران بشود یا عکاس بکهو از بالای میز بیفتد پایین و ناقص بشود، ناقص حقوقی، چیزی نیست؟ باورتان می‌شود دیروز که نماینده‌ها هجوم آوردند برای عکس‌گرفتن از من، شش مصدوم، دو مفقود و یک کشته در پی داشت؟ باید به سازمان ملل بگویم عکس‌گرفتن را محکوم کند... الو... اینجا سرعت اینترنت خیلی ... است و هی قطع میشه... الو...،

روزنامه شتر

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۱۶ مرداد ۱۳۹۶ • ۱۴ ذیقعدہ ۱۴۳۸ • ۷ آگوست ۲۰۱۷ • سال چهاردهم • شماره ۲۹۲۰ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۱۰ • اذان مغرب ۲۰:۲۲ • اذان صبح فردا ۴:۴۳ • طلوع آفتاب ۶:۱۸

روزنفرها

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

مهدی عزیزی



سرآشپز خانه شما

اولین مایکروویو با تکنولوژی Inverter
با ۱۰ سال گارانتی



گلدیران
روی خوش زندگی



مرکز ارتباط مشتریان (۲۴ ساعته بدون تعطیلی) ۸۴۷۳۳-۰۲۱



رسانه‌های بی‌مخاطب؛ روزنامه‌نگاران نگران

در آستانه فرارسیدن روز خبرنگار

این اتفاق نیفتد، ما یکی از ارکان مهم توسعه پایدار را در جامعه نخواهیم داشت، حتی اگر پیشخوان مطبوعات ما مملو از کثرت و تنوع رسانه‌ها باشد، چراکه بی‌مخاطب هستند.

سه) به نظر می‌رسد برای عبور از این بن‌بست که تهدیدی جدی برای رسانه‌های ما (اعم از رادیو، تلویزیون و رسانه‌های مکتوب) محسوب می‌شود، چاره دیگری جز این نباشد. امروز رسانه‌های ما چنان ترس‌خورده شده‌اند که وجه کشمندی خود را از دست داده‌اند؛ وقتی که رویدادی هزاران بار در شبکه‌های مجازی توزیع و تکثیر می‌شود، تازه زمان آن می‌رسد که رسانه‌های ما لنگان‌لنگان به دنبالش بروند، اما آیا راه دیگری هم برای عبور از این بحران وجود دارد؟

چهار) یک چاره‌جویی حداقلی دیگر هم وجود دارد. شاید زمان آن رسیده که انتشار روزنامه‌ها دوباره به عصرها بازگردد. درحال‌حاضر روزنامه‌ها صبح‌ها منتشر می‌شوند و بخش عمده‌ای از اخبار را از دست می‌دهند، چراکه روز، رویدادمحور است. در شرایطی که روزنامه‌های ما عموماً خوری نیستند و حتی نمی‌توانند به تحلیل رویداد هم برسند، شاید زمان آن رسیده که این ازدست‌دادن زمان را از میان ببرند و لااقل راوی خیرها و رویدادهای موجود جامعه باشند.

اتفاق

آقای رئیس‌جمهور

خانه روزنامه‌نگاران همچنان بسته است



شرق:

هیئت‌مدیره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران در آستانه روز خبرنگار ۱۷ مرداد، در نامه‌ای خطاب به دکتر حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران، بار دیگر درخواست بازگشایی این نهاد صنفی روزنامه‌نگاران

را مطرح کرد. در این نامه چنین آمده است: پنجمین سالروز بزرگداشت خبرنگار در دوران ریاست‌جمهوری جناب‌عالی در حالی فرامی‌رسد که با گذشت هشت سال از تاریخ پلمب ساختمان انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران، فعالیت این نهاد برخاسته از جامعه روزنامه‌نگاران همچنان در حالت تعلیق قرار دارد.

اکنون و در آستانه تعیین هیئت وزیران، اجازه می‌خواهد که بار دیگر موانع غیرقانونی فعالیت این تشکل صنفی را خاطرنشان و یادآوری کند:

۱- پلمب دفتر این انجمن در اجرای تصمیم دادستان وقت تهران در تاریخ ۱۳۸۸/۵/۱۴ صورت پذیرفت و تا تاریخ ارسال این نامه استمرار یافته است. همچنین تا این تاریخ کماکان اتهام انتسابی به این انجمن که موجب قانونی اتخاذ و اجرای این تصمیم شده، شعبه بازپرسی یا دادیاری که پرونده راجع به اتهام مفروض فوق در آن گشوده شده، مشخصات شاکي با اعلام‌کننده جرم، کلاسه پرونده و... نیز نیکتوم مانده است.

۲- در دوره زمانی فوق، این انجمن به‌کرات در معرض انواع افتراها توسط اشخاص فاقد سمت قانونی قرار گرفته تا اذهان عمومی را در مورد این شخص حقوقی دچار تشویش کنند.

۳- فارغ از اشخاص فاقد سمت، مقامات ذی‌ربط در دوره نخست ریاست جناب‌عالی بر قوه مجریه و در رأس آنها متصدیان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی اعم از وزیر، معاونان و مدیران‌کل نیز وظایف قانونی یا مبتنی‌بر عرف اداری را در رابطه با این انجمن نادیده انگاشته‌اند.

۴- حتی با مفروض برشمردن وجود اتهام منجر به پلمب دفتر این انجمن و «گشایش پرونده راجع به آن در یکی از شعب بازپرسی یا دادیاری دادرای عمومی و انقلاب تهران»، با توجه به گذشت مدت هشت سال از پلمب دفتر این انجمن و فقدان هرگونه فعل‌وانفعال قضائی متعاقب پلمب، شمول مرور زمان بر فعل مجرمانه مفروض، پیگیری آن را با تردید مواجه می‌کند. درحال‌حاضر این انجمن در برابر اعضای خود متهم به انفعال محض شده و در توجیه علل و موجبات این انفعال عاجز مانده است. توجه جناب‌عالی به این نکته معطوف می‌شود که نامه‌های متعدد این انجمن صنفی خطاب به شما و مقامات مسئول در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و دیگر مقامات ذی‌ربط، تاکنون بی‌پاسخ مانده است.

از آنجا که روزنامه‌نگاران کشور پیروزی شما را در دوره دوم انتخابات ریاست‌جمهوری نشانه امیدبخشی برای حرکت قوای کشور در مسیر قانونی تلقی می‌کنند، امید است جناب‌عالی وعده خود در دوره اول ریاست‌جمهوری مبنی‌بر فک پلمب دفتر مرکزی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران و ازسرگیری فعالیت آن را عملی کرده و در آستانه روز خبرنگار، چراغ خانه روزنامه‌نگاران را دوباره روشن کنید.

تحلیل روزمره

کنکور، سلامت روان و فرهنگ عمومی



مجتبی ارحام‌صدر

واقعیت نظام آموزشی و تحصیلی ما نزدیک‌تر از آن چیزی است که احتیاج به تعمق داشته باشد و شاید همین عینیت زیاد سبب غفلت دسته‌جمعی ما شده است. قضایا از این قرارند که سالی یک‌بار تمام فرزندان تحصیل‌کرده و آرزومند مملکت پشت درهای یک دنیای موعود لتنبار می‌شوند و با کلی استرس که تاکنون داشته‌اند و چند خروار اضطراب و سرخوردگی که در ادامه پیش‌رویشان است، به سد سدید کنکور سراسری حمله می‌برند!

کنکور و نظام رقابتی و خشن آموزشی ما؛ چه در مقدماتش و چه در مؤخرتش موجب رنج و عذاب جوانان ایرانی است. در سال‌ها و ماه‌های قبل از کنکور، جوان مجبور است که در مسابقه‌ای دائمی با هم‌سالانش شرکت کند و هر روز و هر ساعت و هر دقیقه هم‌کلاسی نیمکت‌نشینش را به چشم رقیب بی‌رحم در تعقیب ببیند و به‌جای اینکه در بهترین و حیاتی‌ترین اوقات زندگی‌اش به تمرین احساسات انسانی و همدلانه مشغول باشد، در گرداب حسادت و رشک و پارانویا به هم‌سنلاسی غرق می‌شود. چه خشمی نهادینه می‌کند این وضعیت برزخی در دل جوانان ما و چه خمی از حس بد و نفرت آوار می‌شود روی سر دانش‌آموزان ما در کوران این ماراثن دائمی فرساینده! تازه این داستان قبل حادثه است.

کنکور به‌مثابه نقطه جداکننده: جوانکی که با اوصاف طاقت‌فرسای بالا به روز واقعه می‌رسد، با یک فرایند غربال‌کننده بوروکراتیک چندساعته از تک‌تک نسل معاصرش جدا می‌شود و این گسست و جدایی تا پایان عمر همراهش می‌ماند. به هر انسان شرکت‌کننده در کنکور یک نمره و رتبه می‌دهند و این برچسب تا پایان عمر نشان هویت وی می‌شود. یکی بالاتر و دیگری پایین‌تر، چه سلسله‌مراتب خشن و بی‌تعارفی به جان خودمان انداخته‌ایم. در جامعه‌ای که برخی شکاف‌ها و گسل‌ها وجود دارد، کنکور با نمایی نخبه‌گرایانه، اما نهادهی خشونت‌بار مشغول جداسازی مضاعف انسان‌هاست. از صدر تا ذیل فعالان فرهنگی و اجتماعی و سیاسی ما نالان عادات جمع‌گریزی و فقدان روحیه کار تیمی در میان ایرانیان هستند.

آیا با چنین پایه‌های فردگرایانه و جمع‌گیزانه‌ای که در سیستم آموزشی ما در روح و روان کودکان و نوجوانان جامعه کار گذاشته می‌شود باید انتظار داشت در بزرگسالی انسان‌های اهل امدل و مدارا و همدلی و تاب‌آوری تحویل بگیریم؟

خشونت پنهان و سلامت روان: گرچه چندان میانه‌ای با تحلیل‌های چپ ندارم، اما مراسم کنکور در این مملکت از بدو برپایی‌اش در کار طبقاتی‌کردن هویت دانش در ایران بوده است. به‌لحاظ روان‌کاوی هم آداب رقابت و مسابقه حذفی بی‌محابای قبل و بعد کنکور جز نهادینه‌کردن خشم و حسادت (Envy) و تنش مدام در جان و تن محصلان کارکرد دیگری ندارد. کودک ما از بدو آموزش به‌جای قرارگرفتن کنار هم‌کلاسی‌اش، روبه‌روی او قرار داده می‌شود و از او خواسته می‌شود برای بقا بجنگد و حذف کند و پیش برود؛ جنگی بدون خون‌ریزی و آتش و دود، اما در غایت خود مخرب و ویرانگر. این‌گونه است که تداوم هرچه‌بیشتر نظام آموزشی تنگ و جداکننده و خشن فعلی قطعا در جهت خلاف سلامت روان جامعه است.



فریدون صدیقی

یک) اصلی‌ترین دغدغه روزنامه‌نگاری معاصر، نداشتن یا تحلیل‌رفتن مخاطب است. به بیان بهتر، به تناسب کثرت، تنوع و گوناگونی رسانه‌های مکتوبی که منتشر می‌شوند، مخاطبی همسو و هم‌سنگ موجود نیست و هم‌خوانی بین تیراژ و تعداد نشریات با مخاطب‌های آن وجود ندارد. از آنجایی که رسانه با مخاطب تعریف می‌شود، اگر مخاطبی نباشد، رسانه‌ای هم وجود ندارد و دیگر خبرنگاری هم نیست. در چنین شرایطی، بدیهی است که برای روزنامه‌نگار حرفه‌ای، تلخکامی وظیفه و رسالتی که بر دوش دارد، رو به فزونی می‌رود و به یک بحران روحی و معاشی بدل می‌شود. کار روزنامه‌نگاری، توسعه منافع و مناجع ملی، توسعه رو به تزاید جامعه یا همان توسعه پایدار در تمامی حوزه‌هاست و اگر قرار باشد روزنامه‌ای منتشر شود، اما خوانده نشود یا از پیشخوان مطبوعات برگرفته نشود، تنها به این معنا نیست که روزنامه‌نگار نادیده گرفته شده، بلکه توسعه جامعه نیز دچار اختلال می‌شود.

خبر

مؤسسه یونس امره برگزار می‌کند

جایزه‌ای برای ترجمه‌های فارسی از آثار ترکی

گسترش روابط و مناسبات فرهنگی دو کشور ایران و ترکیه برگزار می‌کند و برپایی جایزه‌ای برای آثار ترکی ترجمه‌شده به فارسی از اقدامات اخیر این مؤسسه است که برای ارتباط بیشتر مترجمان و علاقه‌مندان به فرهنگ و ادبیات ترکیه صورت می‌گیرد. دکتر تورقای شفق، مدیر مؤسسه یونس امره، به «شرق» گفت: در داوری این جایزه، متخصصان و مترجمان زبان ترکی اهل ترکیه و ایران با این مؤسسه همکاری خواهند داشت و نخستین دوره این جایزه به تمام آثار ترجمه‌شده ترکی استانبولی بدون محدودیت موضوعی اختصاص یافته است.

همچنین اعلام شده است که هیچ‌گونه محدودیتی درباره موضوع آثار وجود ندارد و امکان ارسال چند اثر برای هر فرد وجود دارد. آثار چندجلدی هم هنگام داوری به‌عنوان یک اثر در نظر گرفته می‌شوند. آخرین مهلت ارسال آثار نیز نهم شهریور است و صاحبان آثار و ناشران برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند با این مؤسسه تماس بگیرند. مؤسسه یونس امره، از مراکز فرهنگی فعال ترکیه، چند سالی است در تهران در کنار آموزش زبان ترکی استانبولی، برنامه‌هایی فرهنگی به منظور بسط و

شرق: مؤسسه فرهنگی یونس امره در تهران، بنا دارد جایزه‌ای برای ترجمه از آثار ترکی استانبولی برپا کند و به همین مناسبت در فراخوانی از صاحبان آثار و ناشران خواسته است آثار ترجمه‌شده به فارسی از آثار ترکی استانبولی را که در فاصله زمانی سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ منتشر شده، به دفتر این مؤسسه، واقع در بلوار آفریقا، خیابان شهید سعیدی، پلاک ۱۲ ارسال کنند. در این فراخوان آمده است: اثر موردنظر باید با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به چاپ رسیده باشد و نیز اصل کتاب ترکی و نسخه ترجمه‌شده آن به فارسی به مؤسسه ارسال شود.